

کتاب کار فارسی چهارم

صفحات ۲۷، ۳۰، ۷۰، ۷۱

کتاب کار فارسی چهارم درس سوم: راز نشانه ها

دبستان دخترانه علوی

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲



درس سوم

«راز نشانه‌ها»

آموختنی‌ها

- ۱ نقش تکرار در حل مسائل و مشکلات اجتماعی
- ۲ کاربرد کلمات هم‌آوا
- ۳ آشنایی با متن علمی و ادبی
- ۴ اجزای مختلف شعر



کلمات مترادف

آواز: بلنگ، نغمه

حدس: گمان

می‌لنگید: لنگان لنگان راه می‌رفت

قلب: قطع **زاعگ کوچک**

معذرت‌خواهی: **عذرخواهی**

حیلت‌ساز: مکار

آسیاب:

کلمات متضاد

سیاه ≠ سفید

درست ≠ غلط

خوشحال ≠ ناراحت

کلمات هم خانواده

حاکم، محکوم

گود، گودی، گودال

خوش‌خوآن: **خوش آواز**

طعمه: خوردنی

جست: پرید

حاکم: قاضی

برگرفت: برداشت

روبهک: روباه کوچک

اساس: پایه، بنیان

خار: تیغ

آشکار ≠ پنهان

راست ≠ چپ

کم‌تر ≠ بیش‌تر

معذرت، عذر، عذرخواهی

طعمه، طعام

حیات: زندگی

پرفریب: بسیار حيله‌گر

بگشود: گشود، باز کرد

اثاث: وسایل، ابزار

خوار: حقیر

قضا: سرنوشت، تقدیر

کور ≠ بینا

خوب ≠ بد

حیلت، حيله، حيله‌گر

فريب، فربنده، فربیکار





الف: دانش آموز عزیز با توجه به متن درس «راز نشانه‌ها، جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کن. سپس از روی متن کامل شده به دوستت املا بگو.

مردی یک کیسه گندم بر پشت الاغش گذاشته بود و به ... آسیاب می‌برد در راه به قهوه خانه ای رسید؛ الاغ را به درختی بست و به قهوه خانه رفت و وقتی بیرون آمد الاغش نبود؛ در حالی که به دنبال الاغ می‌گشت، چشمش به پسری افتاد؛ از او پرسید: «الاغ مرا ندیدی؟»

..... پسر پرسید: «همان که چشم چپش کور بود پای راستش می‌لنگید و بار گندم می‌برد؟» سرد خوشحال شد و گفت: «نشانه‌هایش درست است. آن را کجا دیدی؟»
..... پسر جواب داد: «من، الاغی ندیدم».

مرد خشمگین شد و پسر را پیش حاکم برد.
..... حاکم گفت: «..... پسر جان! اگر تو الاغ را ندیده‌ای، چطور نشانی‌هایش را دادی؟»

..... **پسر** گفت: «من فقط خوب **نگاه** کردم و به آنچه دیدم، کمی اندیشیدم.
سر راهم **رد** پای الاغی را دیدم که از اینجا گذشته لنگ بوده است. .. **علف های**
سمت **راست** جاده خورده شده بود؛ اما **علف های** طرف **چپ** دست
نخورده مانده بود. از اینجا فهمیدم که الاغ .. **علف های** سمت **چپ** را ندیده است.
به همین دلیل **حدس** زدم، چشم **چپش** کور بوده است. از دانه های گندمی هم
که روی زمین ریخته بود، فهمیدم بارش گندم بوده است.»
..... **حاکم** به هوش و **فهم** آفرین گفت و مرد از او **معذرت** خواست.



ب: در جاهای خالی کلمه‌های مناسب قرار بده.

۱) پرستوها در ... **سفر** ... طولانی خود با خطرهای زیادی روبه‌رو می‌شوند. (سفر - صفر)

۲) انجام کار نیک .. **ثواب** .. دارد. (ثواب - صواب)

۳) کنار هر گل زیبایی ... **خار** ... می‌روید. (خوار - خار)

۴) او دوستان **خویش** ... را فراموش نکرد. (خویش - خیش)

۵) شیشه از برخورد سنگ ... **خرد** ... و ریزش شد و به اطراف پاشید. (خورد - خرد)

فارسی چهارم دبستان



کتاب کار فارسی چهارم
درس هفتم: مهمان شهر ما

دبستان دخترانه علوی

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲



با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام یک از جمله‌های زیر، با متن داستان «انتظار» مناسبیت ندارد؟

(۱) صحبت‌های درخت سیب به غنچه، احساس آرامش می‌داد.

(۲) گل میخک فریاد زد: «آهای خیلی دلت را خوش نکن!»، ❌

(۳) برادر نرگس در جبهه برای رزمندگان سنگر می‌ساخت.

(۴) دنیای غنچه کوچک بود و در باغچه‌ای خلاصه می‌شد.

ب: در کدام جمله «جان بخشی» وجود ندارد؟

۱) سوسن‌ها در گوش هم پچ‌پچ می‌کردند.

۲) نسیم خنک بامدادی دستی به صورتم کشید.

۳) درخت سیب به من نگاهی تحسین‌آمیز می‌کند.

۴) خنکی هوای صبح را با تمام وجود لمس کردم. ✗

پ: ترکیب «اقیانوسی از انسان‌ها، اشاره به چه چیزی دارد؟

(۱) سر و صدا و شلوغی مردم

(۲) آرامش بزرگ مردم

(۳) عظمت حضور مردم ✗

(۴) شادمانی جمعیت مردم

ت: کدام یک از ضرب‌المثل‌ها، در بردارنده‌ی معنی عبارت زیر است؟

«برای رسیدن به موفقیت، تلاش و همکاری جمعی لازم است.»

(۱) عاقبت، جوینده یابنده است.

(۲) برو کار می‌کن، مگو چیست کار

(۳) کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد.

(۴) با یک گل بهار نمی‌شود. ❌

خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده. ۱۰



روزی از روزها لاک‌پشت و خرگوشی در صحرا به هم رسیدند و رفیق راه شدند. خرگوش از راه رفتن لاک‌پشت خسته شد و گفت: «این آهسته رفتن تو ما را به مقصد نمی‌رساند.» لاک‌پشت گفت: «حالا که به سرعت خود می‌نازی، بیا مسابقه بدهیم و ببینیم کدام یک از ما به آن درختی که بالای تپه است زودتر می‌رسد.» خرگوش قبول کرد و گفت: «تو برو، من هم می‌آیم.» لاک‌پشت به راه افتاد. خرگوش با اعتماد به «تیزرو» بودن خود، مشغول بازی شد. یک مرتبه سرش را بلند کرد، دید نزدیک است لاک‌پشت به آن درخت برسد. آن هنگام بود که پا به دویدن گذاشت ولی هرچه تلاش کرد سودی نداشت. لاک‌پشت به درخت رسیده بود، اما خرگوش هنوز می‌دوید.

رهرو آن نیست که گه تند و گه خسته رود / رهرو

الف: خرگوش از چه چیزی خسته شده بود؟

آهسته راه رفتن لاک پشت

ب: چرا لاک پشت و خرگوش مسابقه دادند؟

برای اینکه بفهمند کدام یک سریع تر به بالای تپه می رسد.

پ: به نظر شما کدام صفت برای خرگوش مناسب است؟

(۱) تنبل

(۲) ساده

(۳) مغرور ×

(۴) صادق

ت: در حکایت بالا جملاتی را که با «اما، ولی» به هم وصل شده اند، پیدا کن و بنویس.

اما: لاک پشت به درخت رسیده بود، اما خرگوش هنوز می دوید.

ولی: آن هنگام بود که پا به دویدن گذاشت ولی هر چه تلاش کرد سودی نداشت.

ث: ادامه ی ضرب المثل را کامل کن.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

مهمان شهرما ▶ درس هفتم

